

Research Paper

The Impact of Management Ethics Behavior on the Relationship between Accounting Concepts and Readability in Financial Reporting

Omid Samiei

Department of Accounting, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
1300omid@gmail.com

Zahra Pourzamani *

Department of Accounting, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
zahra.poorzamani@iauctb.ac.ir

Abstract

The purpose of this study was to investigate the effect of management Ethics behavior on the relationship between accounting concepts and legibility in financial reporting in companies listed on the Tehran Stock Exchange. In this study, six indicators (including; financial reporting quality, social responsibility disclosure, corporate governance, audit quality, accounting conservatism and earnings management) have been used to examine the accounting concepts of the company. For this purpose, six hypotheses were developed to analyze this issue and data related to 140 member companies of the stock exchange for the period between 2007 and 2018 were analyzed. The research regression model was investigated and tested using panel data method with fixed effects approach. The results showed that Ethics management behavior affects the role of financial reporting quality, corporate governance, audit quality and earnings management on financial reporting readability, but on the role of corporate social responsibility and accounting conservatism on readability. Financial reporting has no effect. The results of this study confirm that the behaviors based on Ethics of managers by increasing transparency and more responsible supervision increase the level of transparency and enhance the positive impact of accounting concepts on readability in financial reporting and Provides a clearer reporting environment for users of accounting and financial information.

Keywords: Management Behavior, Accounting Concepts, Transparency in Financial Reporting and Effective Supervision.

Introduction: Accounting concepts such as financial reporting quality, social responsibility disclosure, corporate governance, audit quality, accounting conservatism and profit management can have an effect on the level of readability in financial reporting due to their impact on the company's information and regulatory environment. Also, creating a transparent environment and implementing these accounting concepts effectively is influenced by the moral characteristics of managers and their abilities, and certainly the moral and behavioral characteristics of managers play a significant role in creating transparency and reducing information asymmetry. As a result, there is this argument that the behaviors based on management ethics affect the relationships between accounting concepts and readability in financial reporting due to the effect it can have on creating transparency.

Method and Data: Due to the impossibility of controlling all related variables, this research cannot be a pure experimental research, but according to the analysis of past information, this research is a semi-experimental research. Also, considering that the results obtained from the research solve a specific problem or issue, in terms of the applied goal and in terms of the method, it is a type of correlation analysis with a regression approach.

* Corresponding author

Samiei, O., Pourzamani, Z. (2023). The Impact of Management Ethics Behavior on the Relationship between Accounting Concepts and Readability in Financial Reporting. *Quarterly Financial Accounting*, 15(58): 1-20.

Findings: According to the theoretical foundations, there is an expectation that management behaviors based on management ethics can have an effect on the relationship between accounting concepts and improving or reducing readability in financial reporting; because there is a claim that managers and their behaviors in the company's reporting environment have a significant effect on creating transparency and improving it. According to these arguments, the results of hypothesis analysis showed that managers' ethical behavior has an effect on the role of financial reporting quality, corporate governance, audit quality and profit management on the readability of financial reporting, but it does not affect the role of social responsibility of the company and accounting conservatism on the readability of financial reporting.

Conclusion and discussion: The general results showed that managers' behaviors based on ethics by intensifying transparency and more responsible supervision lead to an improvement in the level of transparency and intensify the positive effect of accounting concepts on readability in financial reporting and provide a more transparent reporting environment for users of accounting and financial information.

مقاله پژوهشی

تأثیر رفتار مبتنی بر اخلاق مدیریت بر ارتباط میان مفاهیم حسابداری و خوانایی در گزارشگری مالی

امید سمیعی

گروه حسابداری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
1300omidi@gmail.com

زهرا پورزمانی*

گروه حسابداری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
Zahra.poorzamani@iauctb.ac.ir

چکیده:

هدف از این پژوهش بررسی تأثیر رفتار مبتنی بر اخلاق مدیریت بر ارتباط میان مفاهیم حسابداری و خوانایی در گزارشگری مالی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. در این پژوهش، برای بررسی مفاهیم حسابداری شرکت از شش شاخص (شامل؛ کیفیت گزارشگری مالی، افشای مسئولیت اجتماعی، راهبری شرکتی، کیفیت حسابرسی، محافظه‌کاری حسابداری و مدیریت سود) استفاده شده است. بدین منظور شش فرضیه برای بررسی این موضوع تدوین و داده‌های مربوط به ۱۴۰ شرکت عضو بورس اوراق بهادار برای دوره‌ی زمانی بین سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۷ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. الگوی رگرسیون پژوهش با استفاده از روش داده‌های تابلویی با رویکرد اثرات ثابت، بررسی و آزمون شد. یافته‌ها نشان داد که رفتار مبتنی بر اخلاق مدیریت بر نقش کیفیت گزارشگری مالی، راهبری شرکتی، کیفیت حسابرسی و مدیریت سود بر خوانایی گزارشگری مالی اثرگذار است اما بر نقش مسئولیت اجتماعی شرکت و محافظه‌کاری حسابداری بر خوانایی گزارشگری مالی اثری ندارد. نتایج پژوهش مؤید آن است که رفتارهای مبتنی بر اخلاق مدیران با تشدید شفافیت و نظارت مسئولانه‌تر سبب ارتقا سطح شفافیت شده و تأثیر مثبت مفاهیم حسابداری بر خوانایی در گزارشگری مالی را تشدید می‌کند و محیط گزارشگری شفاف‌تری را برای استفاده‌کنندگان از اطلاعات حسابداری و مالی فراهم می‌نماید.

واژه‌های کلیدی: رفتار مدیریت، مفاهیم حسابداری، شفافیت در گزارشگری مالی و نظارت مؤثر.

* نویسنده مسئول

سمیعی، امید، پورزمانی، زهرا. (۱۴۰۲). تأثیر رفتار مبتنی بر اخلاق مدیریت بر ارتباط میان مفاهیم حسابداری و خوانایی در گزارشگری مالی. فصلنامه حسابداری مالی، ۱۵ (۵۸): ۲۰-۱.

مقدمه

مدیران در اجرای برنامه‌های تجاری، از توان انتخاب راهبردهای مختلف مدیریتی برخوردارند که هر یک از این روش‌ها منجر به ایجاد جریان‌های نقدی متفاوتی خواهد شد و درنهایت، کارایی مدیریت، مستلزم انتخاب راهبردهای بهینه‌ای است که به بالاترین ارزش مورد انتظار برای شرکت بیانجامد، اما در عمل، گاهی اوقات مدیران به دلایل مختلف (برای مثال در پاسخ به معیارهای کوتاه‌مدت نگر ارزیابی عملکرد)، در انتخاب راهبردهای ارزش‌آفرین شرکت، به جای تمرکز بر اهداف بلندمدت و خلق بیشترین ارزش مورد انتظار از طریق انتخاب بهترین راهکار، به راهکارهایی روی می‌آورند که عملکرد کوتاه‌مدت آنها را بهبود بخشد و این مهم، زمانی به موضوعی بغرنج و مسئله‌ساز مبدل می‌شود که چنین انتخابی از سوی مدیران، به هزینه کاهش ارزش مورد انتظار شرکت در بلندمدت منجر شود و تأثیر نامطلوبی بر عملکرد آینده شرکت بگذارد. به بیان دیگر، انتظار می‌رود مدیرانی که بر اهداف کوتاه‌مدت متمرکز هستند، در یک فاصله زمانی کوتاه به نتایج و بازده سریع و البته موقت دست یابند، اما در بلندمدت عملکرد آنان مطلوب و رضایت‌بخش نخواهد بود و به گفته‌ای، درگیر مدیریت بسیار ناعادلانه یا با درجه پایین‌تری از اخلاق می‌شوند (میزیک^۱، ۲۰۱۰). افزون بر این، در چارچوب تئوری نمایندگی مدیران به عنوان نمایندگان سهامداران (مالکان) عمل می‌کنند. مدیران با این انتظار که در تصمیمات قابل‌درک مدیریت ارزش‌های مورد انتظار سهامداران را حداکثر کنند، تعیین می‌شوند. مبانی تئوریک بیان می‌دارند که نگرش مدیران رده بالا بر روی نحوه تصمیم‌گیری آنها تأثیرگذار است. هم‌همی مدیران به حکم آن که مدیران به یک شیوه عمل نمی‌کنند و مانند سایر افراد جامعه تفاوت‌های فردی، استعدادها، انگیزه‌ها، رغبت‌ها و تمایلات اخلاقی مخصوص به خود دارند و از نگرش، دانش و نظام ارزشی متفاوتی برخوردارند. این تفاوت‌ها اگرچه به ظاهر ممکن است جزئی باشد، اما هنگامی که از فرآیندهای واسطه‌شناختی افراد عبور می‌کنند، به تفاوت‌های بسیار بزرگ و نتایج رفتاری کاملاً متفاوت می‌انجامد. چنین تفاوت‌هایی عمدتاً از تفاوت‌های ناشی از نگرش هر یک از افراد سرچشمه می‌گیرد (نادریان و امیرحسینی، ۲۰۰۸). از جمله این ویژگی‌های مدیران سطح رفتارهای عدالت‌خواهانه، رفتارهای مبتنی بر انصاف و اخلاق است که می‌تواند بر مفاهیم حسابداری و سطح خوانایی در گزارشگری مالی که وابسته به دیدگاه‌های متفاوت مدیران است، اثرگذار باشد.

از سوی دیگر، قابلیت خواندن گزارش‌های مالی به مدت طولانی موضوع بحث بسیاری از تهیه‌کنندگان، تنظیم‌کننده‌ها و کاربران اطلاعات مالی بوده است. جهانی شدن، نوآوری مالی و تعداد روزافزون قوانین حسابداری و استانداردهای افشاگری، گزارشات مالی پیچیده‌تری را به ارمغان آورده است. اگرچه استانداردهای جدیدی نظیر قوانین ساربنز-اکسلی در سال ۲۰۰۲ گزارش‌های مالی را شفاف‌تر کرده‌اند، اما آن‌ها را پیچیده‌تر هم کرده‌اند، به گونه‌ای که سرمایه‌گذاران قادر به استخراج اطلاعات مربوطه نیستند. هدف از این مطالعه، بررسی میزان افزایش غیرمنتظره در خوانایی گزارشگری مالی تحت تأثیر تعامل خصوصیات اخلاقی مدیران و مفاهیم حسابداری است. تاکنون، در ادبیات مالی، عدم خوانایی گزارشگری مالی به عنوان یک اصطکاک تجاری در نظر گرفته شده که به زمان و تلاش سرمایه‌گذاران برای درک صورت‌های مالی می‌افزاید، با توجه به مشکلاتی که در این رابطه در پردازش اطلاعات به وجود می‌آید، مطالعات متعدد نشان می‌دهد که پیچیدگی (عدم خوانایی گزارشگری مالی) باعث کاهش سرعت تعدیل قیمت‌ها می‌شود (حسن، ابوعباس و ناتان گاراس^۲، ۲۰۲۰) که می‌تواند تحت تأثیر مفاهیم حسابداری و گزارشگری مالی و همچنین سطح شفافیت ایجاد شده توسط مدیریت باشد. (ایرتوگرول، لی و وان^۳، ۲۰۱۷). با توجه به موارد مطرح شده و بحث اساسی رفتارهای مدیریتی و مفاهیم حسابداری شرکت که می‌تواند اثر با اهمیتی بر مسئله شفافیت و محیط تصمیم‌گیری شرکت داشته باشد هدف اساسی این پژوهش بررسی نقش رفتار مبتنی بر اخلاق مدیریت بر ارتباط میان مفاهیم حسابداری و خوانایی گزارشگری مالی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است.

¹ Mizik

² Hassan, Abu Abbas & Nathan Garas

³ Ertugrul, Lei & Wan

پیشینه نظری و تجربی

پیشینه نظری

یکی از مهم‌ترین ارکان موجود در هر سازمان، مدیریت آن است که سبب انسجام کارها و نظم در امور می‌شود. برای دستیابی به یک سازمان کارآمد، مدیر موظف است متناسب با وظیفه حرفه‌ای و با بهره‌گیری صحیح و مناسب از امکانات به‌گونه‌ای عمل کند که بهترین و اثربخش‌ترین نتایج را به دست آورد. همچنین، عوامل رفتاری و روانی به نام رعایت اخلاق می‌تواند شفافیت اطلاعاتی واحد تجاری را تحت تأثیر قرار دهد و باعث تغییرات قابل‌ملاحظه در آنها شود (دوئل‌مان، هورویتز و سان^۱، ۲۰۱۵). همچنین، اطمینان بیش از حد مدیران، یکی از جدیدترین مفاهیم مالی رفتاری است که هم در تئوری‌های مالی و هم روانشناسی به جایگاه ویژه‌ای دست یافته است. اطمینان بیش از حد سبب می‌شود انسان توانایی‌های خود را بیشتر از حد معمول و ریسک‌ها را کمتر از حد معمول تخمین زده و این احساس در وی به وجود آید که قادر به کنترل مسائل و رویدادها باشد، درحالی‌که ممکن است این‌گونه نباشد (نوفسینگر^۲، ۲۰۰۱). همچنین، اطمینان بیش از حد مدیران، می‌تواند بر ارائه اطلاعات مالی توسط مدیر به بازار سرمایه و سطح انصاف مدیر در برآوردها اثرگذار باشد؛ زیرا مدیران معتقدند که با ادامه دادن پروژه‌های سرمایه‌گذاری ارزش سهامداران در بلندمدت حداکثر خواهد شد لذا تمایلی نسبت به افشای اطلاعات محرمانه‌ای که از بازخورد منفی سرمایه‌گذاری برخوردارند، نخواهند داشت، لذا جهت انتقال باورهای خوش‌بینانه خود امکان بهره‌گیری از اقلام تعهدی مثبت وجود دارد (شراند و زچمن^۳، ۲۰۱۱) یا حتی می‌تواند شناسایی زیان‌ها را به تأخیر اندازد (احمد و دوئل‌مان^۴، ۲۰۱۳)؛ که خود می‌تواند بر ارتباط میان مفاهیم حسابداری و سطح خوانایی صورت‌های مالی اثرگذار باشد. از سوی دیگر، رفتارهای خارج از اخلاق مدیران دارای نتایج موقت مطلوبی هستند و پیامدهای منفی آن در بلندمدت نمایان می‌شود؛ زیرا بازارهای سرمایه قادر به درک صحیح این پیامدها در زمان وقوع نیستند.

از سوی دیگر، تدوین‌کنندگان استاندارد مسئول تعریف استانداردهای گزارشگری مالی هستند که اطلاعات یکنواخت و معناداری را به استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی ارائه دهد و در عین حال بین این ویژگی‌ها و هزینه تهیه این اطلاعات موازنه‌ای برقرار باشد. بحث و نگرانی‌هایی در خصوص پیچیدگی در نظام‌های گزارشگری مالی جاری در کل دنیا برای استانداردگذاران بین‌المللی اهمیت فزاینده‌ای یافته است. اگر بازار به اطلاعاتی که دشوارتر از معمول، از گزارشات سالانه شرکت‌ها استخراج شده است، واکنش ناقصی نشان دهد، مدیران انگیزه پیدا می‌کنند تا در شرایط بد، گزارشات خود را پیچیده‌تر ارائه دهند. مطابق با «فرضیه مدیریت مبهم» زمانی که چشم‌انداز وضعیت آینده شرکت خوب است، مدیران اقدام به افشای بهتر می‌نمایند؛ بنابراین تجزیه و تحلیل گزارشات پیچیده، نیازمند صرف زمان زیادی جهت استخراج اطلاعات مفید می‌باشد و همچنین هزینه استفاده از خدمات تحلیل‌گران را بر عهده سرمایه‌گذاران قرار می‌دهد (باقری ازغندی، حصارزاده و عباس‌زاده، ۱۳۹۷). افزون بر این، این استدلال وجود دارد که مفاهیم حسابداری نظیر کیفیت گزارشگری مالی، افشای مسئولیت اجتماعی، راهبری شرکتی، کیفیت حسابرسی، محافظه‌کاری حسابداری و مدیریت سود با توجه به تأثیری که بر محیط اطلاعاتی و نظارتی شرکت دارند می‌توانند بر سطح خوانایی در گزارشگری مالی اثرگذار باشند. همچنین، ایجاد یک محیط شفاف و پیاده‌سازی این مفاهیم حسابداری به نحو احسن تحت تأثیر ویژگی‌های اخلاقی مدیران و توانایی‌های آنان است و مسلماً ویژگی‌های اخلاقی و رفتاری مدیر در ایجاد شفافیت و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی نقش بسزایی دارد. در نتیجه، این استدلال وجود دارد که رفتارهای مبتنی بر اخلاق مدیریت با توجه به تأثیری که می‌تواند بر ایجاد شفافیت داشته باشد روابط میان مفاهیم حسابداری و خوانایی در گزارشگری مالی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

¹ Duellman, Hurwitz & Sun

² Nofsinger

³ Scherand & Zechman

⁴ Ahmed & Duellman

پیشینه تجربی

حسن و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهشی با عنوان «خوانایی صورت‌های مالی، راهبری شرکتی و عملکرد شرکت: شواهدی از قطر» از طریق تحلیل اطلاعات ۱۲۶ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار قطر به این نتیجه رسیدند که شرکت‌های با خوانایی صورت‌های مالی بالا، سودآوری بیشتر و هزینه‌های نمایندگی پایین‌تری دارند.

بای، دونگ و هو^۱ (۲۰۱۸)، در پژوهش خود به «بررسی تأثیر خوانایی صورت‌های مالی بر هم‌زمانی قیمت سهام» پرداخت، آنها انتظار دارند که گزارش‌های مالی قابل‌خواندن، هزینه‌های پردازش اطلاعاتی خاص شرکت را کاهش داده و بنابراین، هم‌زمانی قیمت سهام را کاهش دهد. لذا مزیت ترکیب کردن اطلاعات خاص شرکت (به‌عنوان مثال از یک گزارش مالی قابل‌خواندن) با تغییرات قیمت سهام سازگار است. دیگر نتایج نشان داد که پوشش تحلیل گران و نوع مالکیت بر روابط بین خوانایی صورت‌های مالی و هم‌زمانی قیمت سهام تأثیرگذارند.

لیم، چالمرز و هانلون^۲ (۲۰۱۸)، در پژوهشی به «بررسی تأثیر استراتژی‌های تجاری بر خوانایی صورت‌های مالی» پرداختند. این تحقیق نتایج مفیدی را برای سیاست‌گذاران ارائه می‌دهد، زیرا این امر نشان می‌دهد که تلاش برای بهبود گزارش خوانایی سالانه ممکن است برای بعضی از شرکت‌ها محدود باشد زیرا استراتژی کسب و کار، تعیین‌کننده اساسی در خواندن است و بیانات قابل‌قبول با توجه به گرایش‌های استراتژیک متفاوت نمی‌باشد.

بلانکو و دوهل^۳ (۲۰۱۸) پژوهشی تحت عنوان «تأثیر خوانایی و قابلیت مقایسه صورت‌های مالی شرکت‌ها بر احتمال گزارشگری متقلبانه» انجام دادند. در این پژوهش که در بازه زمانی ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۴ بود، نمونه‌ای متشکل از ۱۷۹۶۷ براساس سال-شرکت مشاهده در بازار سرمایه آمریکا مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌های پژوهش آنان نشان داد شرکت‌های دارای گزارش‌های مالی با خوانایی و قابلیت مقایسه کمتر، احتمالاً بیشتر از سایر شرکت‌ها به ارتکاب تقلب در صورت‌های مالی اقدام می‌کنند.

بسلینک، بلانکو، دوهل و لوبو^۴ (۲۰۱۸) پژوهشی تحت عنوان «بررسی تأثیر خوانایی گزارشگری مالی بر اجتناب مالیاتی» انجام دادند. در این پژوهش که در دوره زمانی ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۵ انجام شد، تعداد ۱۳۴ شرکت بورس کشور اسپانیا مورد بررسی قرار گرفت و به‌منظور تحلیل و آزمون فرضیه‌های پژوهش از تحلیل آزمون حساسیت و رگرسیون چندگانه استفاده شد. نتایج این پژوهش نشان دادند، ناخوانایی در گزارشگری مالی شاخص فاگ که تابع ساده‌ای از دو متغیر طول جمله (برحسب کلمات) و کلمات پیچیده (تعریف شده به‌صورت تعداد کلمات با سه یا چند بخش) سنجش شده بود بر اجتناب مالیاتی که از تفاضل سود حسابداری و سود مشمول مالیات سنجش شده بود تأثیر مثبت و معناداری داشت.

لو، راموس و روگو^۵ (۲۰۱۷) پژوهشی تحت عنوان «بررسی تأثیر مدیریت سود بر خوانایی گزارش‌های مالی سالانه» انجام دادند. در این پژوهش که تعداد ۱۰۷ شرکت بورس اوراق بهادار کشور مالزی در بازه زمانی ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۵ مورد بررسی قرار دادند. نتایج این پژوهش نشان داد که بین مدیریت سود و خوانایی گزارش‌های سالانه رابطه معناداری وجود دارد.

مصطفی منصور^۶ (۲۰۱۷) پژوهشی تحت عنوان «بررسی ارتباط بین توانایی مدیریت، خوانایی گزارش‌های سالانه و افشا در شرکت‌های آمریکا» انجام دادند. نتایج نشان داد که توانایی مدیریت موجب کاهش پیچیدگی گزارش‌های سالانه می‌شود. همچنین نتایج نشان داد که شرکت‌هایی که مدیران تواناتری دارند، از متن‌هایی استفاده می‌کنند که احساسات مثبت را در مورد شرکت بیان می‌کنند.

فیلزن و اسچوته^۷ (۲۰۱۷)، در تحقیقی به «بررسی تأثیر خوانایی گزارشگری مالی در هم‌حرکتی سهام» پرداخته‌اند. فرض این است که سرمایه‌گذاران با افزایش عدم خوانایی صورت‌های مالی، با اطلاعات کم‌ارزش روبه‌رو هستند. این اطلاعات معمولاً

¹ Bai, Dong & Hu

² Lim, Chalmers & Hanlon

³ Blanco & Dhoe

⁴ Beuselinck, Blanco, Dhoe & Lobo

⁵ Lo, Ramos & Rogo

⁶ Mostafa Monzur

⁷ Filzen & Schutte

نه تنها در مورد شرکت مورد نظر مفید نیست، بلکه در مورد سایر شرکت‌ها با اصول مشابه نیز مفید نیست که باعث ایجاد هم حرکتی بیش از حد می‌شود. آنان متوجه شدند که افزایش شمار واژه‌های ۱۰-Q، یک پروکسی (خوانایی صورت‌های مالی)، به‌طور پیوسته موجب افزایش در ۱ (جستجوی اینترنت در مورد شرکت و ۲ R2s از رگرسیون‌های بین بازدهی شرکت‌ها و همتایان آنها می‌شود. در مقیاس وسیع، پیچیدگی ناشی از هم حرکتی می‌تواند توانایی سرمایه‌گذاران برای تشخیص سهام و شناسایی نوآوران کسب و کار را کاهش دهد.

کومار^۱ (۲۰۱۴) در پژوهشی به «بررسی تأثیر فرهنگ بر خوانایی گزارش سالیانه» پرداخته است. نتایج تحقیق وی نشان می‌دهد که شرکت‌های ذکر شده در ایالات متحده آمریکا که فرهنگ داخلی آنها محرمانه‌تر است (مثلاً ترجیح دادن محرمانه بودن و محدود کردن افشا)، گزارش‌های سالانه کمتر قابل خواندن را نشان می‌دهد، درحالی‌که افرادی که پراکندگی مالکیت بالاتری دارند، گزارش‌های سالانه قابل خواندن را برای کاهش تضاد منافع بین صاحبان تحت چنین ساختار مالکیت ارائه می‌دهند.

جبارزاده کنگرلویی و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «تأثیر مدیریت سود و محدودیت مالی بر خوانایی گزارشگری مالی» ۳۵۰ سال-شرکت در طی دوره زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴ به این نتیجه رسیدند که مدیریت سود بر خوانایی گزارشگری مالی شرکت تأثیر منفی و محدودیت مالی اثر مثبتی بر خوانایی گزارشگری مالی دارد. به‌علاوه متغیرهای کنترلی اندازه شرکت و سن شرکت تأثیر مثبت و هزینه نمایندگی و رشد شرکت تأثیر منفی بر خوانایی گزارشگری مالی دارد. درحالی‌که اهرم مالی و ارزش دفتری به ارزش بازار تأثیری بر خوانایی گزارشگری مالی تأثیری ندارند.

سروی، طالب‌نیا، پورزمانی و جهان‌شاد (۱۳۹۷) پژوهشی تحت عنوان «ارزیابی خوانایی و قابلیت فهم استانداردهای حسابداری از منظر حسابداران و حسابرسان با استفاده از شاخص‌های فلش و کلوز» انجام دادند. تحلیل محتوا با رویکرد سنجش خوانایی یکی از شیوه‌های ارزیابی قابلیت فهم پیام‌های متنی است. در این پژوهش از روش‌های فلش و کلوز برای ارزیابی خوانایی استفاده شده است. جامعه آماری شامل همه کلمات و جملات موجود در متن استانداردهای حسابداری منتشر شده توسط سازمان حسابرسی است و نمونه آماری شامل سه متن از بخش‌های اول، وسط و آخر هر استاندارد می‌باشد که به‌صورت تصادفی انتخاب شده است. هم‌چنین برای اجرای روش کلوز، نیاز به سنجش سطح خوانایی فراگیران و مخاطبان است که ابزار آن یک آزمون محقق ساخته و تکمیل آن توسط حسابداران و حسابرسان انجام شده است. نتایج تحقیق نشان داد طبق روش سنجش خوانایی فلش/دیانی اغلب استانداردهای حسابداری از لحاظ سطح خوانایی در مرتبه بسیار دشوار یا دشوار قرار دارند. هم‌چنین بر اساس روش کلوز متن استانداردها برای حسابداران و حسابرسان در سطح فشار روانی و بیانگر عدم قابلیت درک و یادگیری آنهاست که این موضوع می‌تواند موجب عدم بکارگیری درست استانداردها و در نتیجه کاهش کیفیت گزارشگری مالی شود.

پورکریم، جبارزاده کنگرلویی، بحری‌ثالث و قلاوندی (۱۳۹۷) در پژوهشی «تأثیر مدیریت سود بر لحن گزارشگری مالی در نظام حسابداری ایران» را بررسی نمودند. نمونه پژوهش حاضر شامل ۱۱۹ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۵ است برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از رگرسیون چندمتغیره با داده‌های ترکیبی استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد مدیریت سود تعهدی محاسبه شده بر اساس الگوهای (کازنیک و تعدیل شده جونز) بر لحن بدبینانه تأثیر منفی و معناداری دارد؛ به عبارتی با کاهش مدیریت سود تعهدی، لحن بدبینانه در گزارشگری مالی افزایش می‌یابد.

باقری ازغندی و عباس‌زاده (۱۳۹۷) پژوهشی تحت عنوان «خوانایی صورت‌های مالی و حساسیت سرمایه‌گذاران به استفاده از اطلاعات حسابداری» انجام دادند. در این پژوهش برای اندازه‌گیری خوانایی، از شاخص فاگ و برای اندازه‌گیری حساسیت سرمایه‌گذاران به استفاده از اطلاعات حسابداری، از ضریب واکنش سود استفاده می‌شود. در مجموع، یافته‌های تجربی پژوهش حاکی از وجود رابطه معنادار و معکوس بین خوانایی صورت‌های مالی و حساسیت سرمایه‌گذاران به استفاده از اطلاعات

¹ Kumar

حسابداری می‌باشد. همچنین، حساسیت یاد شده برای شرکت‌هایی که سرمایه‌گذاران غیر عمده و غیر حرفه‌ای بیشتری دارند، بالاتر است.

رضائی پیتته‌نوئی و صفری‌گرایی (۱۳۹۷) پژوهشی تحت عنوان «بررسی تأثیر خوانایی گزارشگری مالی و احتمال گزارشگری مالی متقلبان» انجام دادند. دین منظور، برای سنجش خوانایی گزارشگری مالی از دو شاخص فوگ و شاخص فلش و همچنین، از استاندارد حسابرسی شماره ۲۴۰ برای شناسایی علائم نشان‌دهنده احتمال وجود تحریف‌های ناشی از تقلب در صورت‌های مالی استفاده گردید. فرضیه تحقیق نیز با استفاده از نمونه‌ای متشکل از ۱۱۵ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ و با بهره‌گیری از مدل رگرسیون چندمتغیره لجستیک مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که خوانایی گزارشگری مالی، احتمال وقوع تقلب حسابداری شرکت را کاهش می‌دهد. همچنین، نتایج آزمون تحلیل حساسیت نشان داد که استفاده از معیار جایگزین برای سنجش خوانایی گزارشگری مالی نیز تأثیری بر نتایج اصلی پژوهش ندارد و نتایج پژوهش از استحکام برخوردار است.

صفری‌گرایی، رضایی پیتته‌نوئی و نوروزی (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «مدیریت سود و خوانایی گزارشگری مالی: آزمون تجربی رویکرد فرصت‌طلبانه» از طریق تحلیل اطلاعات ۹۳ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در طی دوره زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴ به این نتیجه رسیدند که بین مدیریت سود و خوانایی گزارشگری مالی شرکت رابطه منفی و معناداری وجود دارد که نشان‌دهنده تأیید رویکرد مدیریت سود فرصت‌طلبانه است.

فروغی ابری، جعفری و نادری بنی (۱۳۹۳) در پژوهشی به «بررسی عوامل مؤثر بر قضاوت‌های اخلاقی در بین جامعه حسابداران رسمی ایران» پرداختند. داده‌های پژوهش با ابزار پرسشنامه جمع‌آوری و با استفاده از تکنیک رگرسیون لجوجیت-پروبیوت مورد آزمون قرار گرفته است. نتایج نشان می‌دهد که یک رابطه مثبت معنادار بین اهمیت آیین رفتار حرفه‌ای و ادراک حسابداران رسمی ایران از محیط اخلاقی سازمانشان با قضاوت اخلاقی آنها وجود دارد؛ به عبارت دیگر هر چه حسابداران رسمی ایران محیط اخلاقی سازمانشان را اخلاقی‌تر تصور کنند، در شرایط اعمال قضاوت، اخلاقی‌تر عمل می‌کنند. در این نوشتار هیچ رابطه معناداری بین سن شرکت‌کنندگان و قضاوت اخلاقی آنها مشاهده نشد. بعلاوه رابطه معناداری بین پاسخ شرکت‌کنندگان بر مبنای طبقه شغلی آنها و سطح تحصیلاتشان با نظراتشان وجود ندارد اما جنسیت، تفاوت معناداری را ایجاد نکرد.

فرضیه‌های پژوهش

با توجه به مبانی نظری مطرح شده و پژوهش‌های پیشین، فرضیه‌های پژوهش به صورت زیر تدوین شده است:

فرضیه اول: رفتار مبتنی بر اخلاق مدیران تأثیر معناداری بر ارتباط میان کیفیت گزارشگری مالی و سطح خوانایی گزارشگری مالی دارد.

فرضیه دوم: رفتار مبتنی بر اخلاق مدیران تأثیر معناداری بر ارتباط میان مسئولیت اجتماعی شرکت و سطح خوانایی گزارشگری مالی دارد.

فرضیه سوم: رفتار مبتنی بر اخلاق مدیران تأثیر معناداری بر ارتباط میان راهبری شرکتی و سطح خوانایی گزارشگری مالی دارد.

فرضیه چهارم: رفتار مبتنی بر اخلاق مدیران تأثیر معناداری بر ارتباط میان کیفیت حسابرسی و سطح خوانایی گزارشگری مالی دارد.

فرضیه پنجم: رفتار مبتنی بر اخلاق مدیران تأثیر معناداری بر ارتباط میان محافظه‌کاری حسابداری و سطح خوانایی گزارشگری مالی دارد.

فرضیه ششم: رفتار مبتنی بر اخلاق مدیران تأثیر معناداری بر ارتباط میان مدیریت سود و سطح خوانایی گزارشگری مالی دارد.

روش پژوهش

این پژوهش با توجه به عدم امکان کنترل کلیه متغیرهای مربوط نمی‌تواند از نوع پژوهش‌های تجربی محض باشد اما با توجه به تجزیه و تحلیل اطلاعات گذشته، این پژوهش از نوع پژوهش‌های نیمه تجربی است. همچنین، با توجه به اینکه نتایج به‌دست‌آمده از پژوهش به حل یک مشکل یا موضوع خاص می‌پردازد، از لحاظ هدف کاربردی و از لحاظ روش نیز از نوع تجزیه و تحلیل همبستگی با رویکرد رگرسیونی است.

جامعه و نمونه‌ی آماری

جامعه آماری شامل کلیه شرکت‌های بورسی در طول دوره زمانی سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۷ بوده است. چگونگی انتخاب نمونه، به صورتی بوده است که در هر مرحله از میان تمامی شرکت‌های بورسی در ابتدای سال ۱۳۸۵، شرکت‌هایی که حائز ویژگی‌های زیر نبوده‌اند، حذف شده و شرکت‌های موجود برای انجام آزمون انتخاب شدند:

- (۱) شرکت‌ها باید در طول دوره زمانی مورد رسیدگی تداوم فعالیت داشته و به‌صورت مداوم در بورس فعال باشند.
 - (۲) نمونه آماری شامل شرکت‌های سرمایه‌گذاری، بیمه، لیزینگ بانک‌ها و سایر شرکت‌های مالی نباشد.
 - (۳) سال مالی شرکت‌ها منتهی به ۲۹ اسفند ماه باشد.
- با توجه به مجموعه‌ی شرایط مزبور، در نهایت تعداد ۱۴۰ شرکت در یک دوره‌ی یازده ساله شامل ۱۶۸۰ سال-شرکت به‌عنوان نمونه برای این پژوهش انتخاب شدند؛ که مطابق با جدول زیر است.

جدول (۱): نحوه انتخاب نمونه

تعداد کل شرکت‌های پذیرفته شده بورسی	۴۱۵
تعداد شرکت‌هایی که داده‌های آنان در دسترس است و تداوم فعالیت داشته‌اند.	۳۵۶
تعداد شرکت‌هایی که پایان سال مالی آن ۱۲/۲۹ است.	۳۱۷
تعداد شرکت‌های سرمایه‌گذاری، بیمه، لیزینگ، بانک‌ها و ...	(۸۲)
تعداد شرکت‌هایی که در دوره پژوهش دارای اطلاعات ناقص بودند (یا داده پرت داشته‌اند).	(۹۵)
تعداد شرکت‌های باقی‌مانده به‌عنوان نمونه	۱۴۰

الگوها و متغیرهای پژوهش

الگوهای پژوهش به شرح زیر برای انجام آزمون فرضیه‌های انتخاب شده است.

$$FOG_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 FRQ_{i,t} + \beta_2 CSR_{i,t} + \beta_3 CG_{i,t} + \beta_4 AQ_{i,t} + \beta_5 Conservatism_{i,t} + \beta_5 DA_{i,t} + \beta_6 Ethics\ based_{i,t} + \beta_7 (Ethics\ based \times FRQ)_{i,t} + \beta_8 (Ethics\ based \times CSR)_{i,t} + \beta_9 (Ethics\ based \times CG)_{i,t} + \beta_{10} (Ethics\ based \times AQ)_{i,t} + \beta_{11} (Ethics\ based \times Conservatism)_{i,t} + \beta_{12} (Ethics\ based \times DA)_{i,t} + \beta_{13} size_{i,t} + \beta_{14} Liquid_{i,t} + \beta_{15} Loss_{i,t} + \beta_{16} Age_{i,t} + \beta_{17} MBV_{i,t} + \beta_{18} CFO_{i,t} + \beta_{19} LEV_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

مدل پژوهش:

متغیر وابسته پژوهش

شاخص اندازه‌گیری خوانایی صورت‌های مالی (FOG): خوانایی صورت‌های مالی را با شاخص فاگ که تابع ساده‌ای از دو متغیر طول جمله (برحسب کلمات) و کلمات پیچیده (تعریف شده به‌صورت تعداد کلمات با سه یا چند بخش) به شرح زیر اندازه‌گیری می‌شود (بای و همکاران، ۲۰۱۸).

$$(\text{درصد کلمات پیچیده} + \text{تعداد کلمات در هر جمله}) / 4 = \text{شاخص فوگ}$$

بر اساس پژوهش سرهنگی و همکاران (۱۳۹۳) کلمات پیچیده کلماتی هستند که ۳ هجا یا بیشتر دارند، رابطه بین شاخص فاگ و سطح خوانایی به این شرح است:

متن قابل خواندن نیست و بسیار پیچیده است $Fog \geq 18$

خوانایی متن سخت است $18 < Fog \leq 14$

خوانایی متن مناسب است $12 < \text{Fog} \leq 14$

خوانایی متن قابل قبول است $10 < \text{Fog} \leq 12$

خوانایی متن آسان است $8 < \text{Fog} \leq 10$

متغیرهای مستقل پژوهش

کیفیت گزارشگری مالی (FRQ): توان صورت‌های مالی در انتقال اطلاعات عملیات شرکت و به‌طور خاص پیش‌بینی جریان‌های نقدی مورد انتظار آن توسط سرمایه‌گذاران است. بر مبنای این نظر، اقلام تعهدی ارزش اطلاعاتی سود را با کاهش اثر نوسان‌ها ناپایدار در جریان‌های نقدی بهبود می‌بخشد (دیچاو و دیچو^۱، ۲۰۰۲). در این تحقیق، از کیفیت اقلام تعهدی به‌عنوان جانشین کیفیت گزارشگری مالی استفاده شده است (فرانسیس، لافوند، اولسون و شیپر^۲، ۲۰۰۵).

کیفیت اقلام تعهدی، قرینه‌ی اندازه‌ی انحراف اقلام تعهدی سرمایه در گردش از جریان‌های وجه نقد عملیات است. زیرا هرچه اندازه‌ی، انحراف کوچک‌تر باشد، اقلام تعهدی، باکیفیت‌تر تلقی می‌شود. در این تحقیق برای ارزیابی کیفیت گزارشگری مالی (کیفیت اقلام تعهدی) از مدل فرانسیس و همکاران (۲۰۰۵)، به شرح زیر استفاده می‌شود:

$$TAC_{j,t} = \alpha_0 + \alpha_1 CFO_{j,t-1} + \alpha_2 CFO_{j,t} + \alpha_3 CFO_{j,t+1} + \alpha_4 \Delta REV_{j,t} + \alpha_5 PPE_{j,t} + \varepsilon_{j,t} \quad \text{مدل (۱)}$$

در فرمول مزبور؛ $TAC_{j,t}$: کل اقلام تعهدی شرکت j در سال t ؛ $CFO_{j,t}$: جریان وجه نقد حاصل از عملیات شرکت j در سال t ؛ $\Delta REV_{j,t}$: تغییر در درآمد فروش شرکت j بین سال‌های t و $t-1$ ؛ $PPE_{j,t}$: خالص دارایی‌های ثابت مشهود شرکت j در سال t و $\varepsilon_{j,t}$: نشان‌دهنده‌ی خطای برآورد اقلام تعهدی نسبت به جریان‌های نقدی است. بنابراین، هر چه اندازه‌ی مقادیر خطای حاصل ($|\varepsilon_{j,t}|$) از این مدل کمتر باشد، کیفیت اقلام تعهدی و در نتیجه کیفیت گزارشگری مالی بیشتر خواهد بود. چون مقادیر خطا شاخصی برای محاسبه عدم کیفیت گزارشگری مالی فراهم می‌کند، بدیهی است که می‌توان با ضرب کردن مقادیر مثبت خطاها در منفی یک ($-|\varepsilon_{j,t}|$) از آن به شاخصی برای محاسبه‌ی کیفیت گزارشگری مالی استفاده کرد. برای اندازه‌گیری کل اقلام تعهدی از مدل دیچاو و دیچو (۲۰۰۲)، به شرح زیر استفاده شده است:

$$E_{j,t} = CFO_{j,t} + TCA_{j,t} \quad \text{مدل (۲)}$$

در فرمول مزبور؛ $E_{j,t}$: سود عملیاتی شرکت j در سال t و $CFO_{j,t}$: جریان وجه نقد حاصل از عملیات شرکت j در سال t تعریف شده است.

در هر دو مدل کیفیت گزارشگری مالی، برای حذف اثر اندازه‌ی شرکت‌ها، همه متغیرها برحسب کل دارایی‌های شرکت طی سال t استاندارد شده‌اند.

شاخص مسئولیت اجتماعی (CSR): برای سنجش شاخص مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و شناسایی ابعاد و شاخص‌های آن اگرچه هنوز هیچ اجماعی میان محققان و سازمان‌ها وجود ندارد، بر این اساس، به‌منظور تدوین چک لیست افشای مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها ابتدا تعداد زیادی از منابع نظری، پژوهشی، استانداردها و معیارهای بین‌المللی مرتبط در حوزه مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها بررسی شد و با توجه به فراوانی ابعاد و مؤلفه‌های استفاده شده در پژوهش‌های قبلی و با ترکیب استانداردها و رهنمودهای بین‌المللی و در نظر گرفتن شرایط محیطی ایران، چک لیست نهایی مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها به شرح نگاره یک استخراج گردید.

¹ Dechow & Dichev

² Francis, LaFond, Olsson & Schipper

جدول (۲): نحوه اندازه‌گیری متغیر

ابعاد	شاخص‌ها
زیست‌محیطی	آلودگی هوا؛ بازیافت یا جلوگیری از جلوگیری از ضایعات؛ حفظ منابع طبیعی؛ دریافت جایزه در زمینه محیط‌زیست؛ رعایت قوانین و مقررات زیست‌محیطی؛ سایر موارد.
محصولات و خدمات	کیفیت، ایمنی و سلامت محصول؛ توسعه محصول/ سهم بازار؛ خدمات پس از فروش؛ توقف تولید؛ سایر موارد.
منابع انسانی	اطلاعات کلی در مورد نیروی کار (نظیر توزیع سنی کارکنان، توزیع جنسی کارکنان، سطح تحصیلات)؛ برنامه آموزش و توسعه کارکنان؛ حقوق، مزایا و پاداش کارکنان؛ امکانات ورزشی و رفاهی کارکنان؛ روحیه و ارتباطات کارکنان؛ محیط کار کارکنان (ایمنی، سلامت، بهداشت)؛ بازنشستگی و مزایای پایان خدمت کارکنان؛ سایر موارد.
مشتریان	پاسخگویی به نیاز مشتریان؛ شکایت/رضایت‌مندی مشتریان؛ سلامت مشتریان؛ سایر موارد.
اجتماعی	رعایت و تبعیت از قوانین و مقررات مربوط به بعد اجتماعی؛ سرمایه‌گذاری اجتماعی (سلامتی، بهداشت و ...) هدایا و خدمات خیریه و نیکوکاری (نهادهای مدنی)؛ حامیان مالی برای فعالیت‌های اجتماعی (ورزش و ...)؛ سایر موارد.
فرهنگی - اعتقادی	سرمایه‌گذاری فرهنگی - اعتقادی (آموزش و ...)؛ حامیان مالی فعالیت‌های فرهنگی - اعتقادی؛ فساد، رشوه‌خواری، پول‌شویی؛ سایر موارد.
انرژی	حفظ و صرفه‌جویی در انرژی؛ توسعه و اکتشاف منابع جدید؛ استفاده از منابع جدید؛ سایر موارد.

سپس برای سنجش رتبه مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها از روش تحلیل محتوای با رویکرد شاخص مطابق رابطه (۱) استفاده می‌شود:

$$CSR = \frac{\text{تعداد اقلام افشا شده}}{\text{تعداد کل اقلام قابل افشا}} \quad \text{رابطه (۱)}$$

در رویکرد شاخص، تحلیل محتوا به استنباط نتایج بر اساس بودن یا نبودن ویژگی‌هایی که در پیام تعریف شده است، می‌پردازد. در این رویکرد اگر یک قلم از افشای اقلام مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها انجام شده باشد، امتیاز یک و اگر افشا نشده باشد امتیاز صفر داده می‌شود. در پژوهش حاضر، در صورتی که هر کدام از شاخص‌های مطرح شده در جدول بالا در گزارش‌های فعالیت هیئت‌مدیره شرکت‌ها، افشا شده باشند به آن شاخص عدد یک و در صورتی که افشا نشده باشد به آن عدد صفر تعلق می‌گیرد؛ سپس برای هر شرکت تعداد اقلام شاخص‌ها (افشا شده به تعداد کل اقلام شاخص‌ها) قابل افشا، بیان‌کننده درصد افشای مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها است (وراچیز^۱، ۲۰۰۷).

سطح راهبری شرکتی (CG): برای اندازه‌گیری شاخص سطح راهبری شرکتی از معیارهای زیر استفاده شده است (آرمسترانگ، بلوین، جاگونلایزر و لارکر^۲، ۲۰۱۴).

(الف) مالکیت نهادی: درصد مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی در شرکت است به‌طوری‌که اگر بیشتر از میانه باشد عدد یک و در غیر این صورت صفر را می‌پذیرد.

(ب) تمرکز مالکیت: درصد مالکیت سهام پنج سهامدار عمده شرکت است به‌طوری‌که اگر بیشتر از میانه باشد عدد یک و در غیر این صورت صفر را می‌پذیرد.

(ج) درصد سهام شناور آزاد: برابر با درصد سهام شناور آزاد شرکت است که در بازار در حال مبادله است به‌طوری‌که اگر بیشتر از میانه باشد عدد یک و در غیر این صورت صفر را می‌پذیرد.

(د) استقلال هیئت‌مدیره: این متغیر نسبت اعضای غیرموظف هیئت‌مدیره به کل اعضای هیئت‌مدیره تعریف شده است به‌طوری‌که اگر بیشتر از میانه باشد عدد یک و در غیر این صورت صفر را می‌پذیرد.

در نهایت پس از تعیین عدد برای هر سال شرکت، توانایی راهبری شرکتی به شرح زیر محاسبه می‌شود.

$$CG = \frac{\text{اقلامی که امتیاز یک اندگرفته}}{\text{کلیه اقلامی که های ارزش صفر و یک اندگرفته}} \quad \text{رابطه (۲)}$$

¹ Vourvachis

² Armstrong, Blouin, Jagonlizer & Larcker

شاخص کیفیت حسابرسی (AQ): برای اندازه‌گیری این شاخص از چهار معیار به شرح زیر استفاده شده است:

الف) تداوم انتخاب حسابرس: به اعتقاد میرز، میرز و عمر^۱ (۲۰۰۳) تداوم انتخاب حسابرس، تعداد سال‌های متوالی است که یک حسابرس مسئولیت حسابرسی یک شرکت را بر عهده می‌گیرد. برای گردآوری اطلاعات تداوم انتخاب حسابرس، از گزارش‌های حسابرسی شرکت‌ها استفاده خواهد شد. به‌طوری‌که اگر بیشتر از میانه باشد عدد صفر و در غیر این صورت یک را می‌پذیرد.

ب) تخصص حسابرس در صنعت: برای اندازه‌گیری تخصص حسابرس در صنعت از رویکرد سهم بازار بهره گرفته شده است. هرچه سهم بازار بیشتر باشد، تخصص حسابرس در آن صنعت و تجربه او نسبت به سایر رقبا بالاتر است. در این پژوهش سهم بازار حسابرسان به‌گونه‌ای است که تخصص حسابرس در سطح موسسه حسابرسی به‌صورت مجموع دارایی‌های تمام صاحب‌کاران یک موسسه‌ی حسابرسی خاص در یک صنعت خاص تقسیم بر مجموع دارایی‌های صاحب‌کاران در این صنعت، تعریف می‌شود. در صورتی که حسابرس متخصص باشد عدد ۱ و در غیر این صورت عدد صفر را می‌پذیرد (اعتمادی، محمدی و ناظمی اردکانی، ۱۳۸۸). همچنین مؤسساتی به‌عنوان متخصص صنعت در نظر گرفته می‌شوند که سهم بازارشان مطابق با معادله فوق بیش از $[\frac{1}{2} \times (\text{شرکت‌های موجود در یک صنعت})]$ باشد.

$$MS_{i,k} = \frac{\sum_{j=1}^{j,i,k} TA_{i,j,k}}{\sum_{i=1}^{IK} \sum_{j=1}^{j,i,k} TA_{i,j,k}} \quad \text{رابطه (۳)}$$

که در این مدل: MS : سهم بازار مؤسسه نام در صنعت k ؛ TA : مجموع دارایی‌های صاحب‌کاران؛ i : نماد مؤسسه حسابرسی؛ j : نماد شرکت صاحب‌کار؛ k : نماد صنعت موردنظر؛ NK : تعداد صاحب‌کاران مؤسسه حسابرسی نام در صنعت k . مؤسسات حسابرسی متخصص صنعت هستند که رابطه زیر در آن‌ها برقرار باشد.

$$MS_{i,k} > \frac{1}{N_k} * 1.2 \quad \text{رابطه (۴)}$$

پ) تغییر حسابرس: در این پژوهش تغییر حسابرس شامل هر نوع تغییر حسابرس از جمله تغییر از سازمان حسابرسی به مؤسسه‌های حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی ایران، تغییر از یک مؤسسه حسابرسی بزرگ به یک مؤسسه حسابرسی کوچک و بالعکس است. همچنین، در این پژوهش، مشابه پژوهش اعتمادی و همکاران (۱۳۸۸) مؤسسه‌های حسابرسی بر اساس میزان درآمد آن‌ها به مؤسسه‌های بزرگ و کوچک تقسیم‌بندی شده‌اند. به‌طوری‌که اگر تغییر داشته باشد عدد یک و در غیر این صورت صفر را می‌پذیرد.

ت) شهرت حسابرس: واتز و زیمرمن^۲ (۱۹۸۶) استدلال می‌کنند که شهرت و اعتبار، انگیزه‌ای برای مستقل ماندن حسابرسان است. در این پژوهش شهرت حسابرس از حاصل تقسیم مجموع دارایی‌های تمام کارفرمایان یک مؤسسه حسابرسی خاص در کل بورس بر کل دارایی‌های شرکت‌های پذیرفته شده در بورس به دست می‌آید. این متغیر تنها برای اندازه‌گیری شهرت حسابرس موردنظر در حسابرسی کل شرکت‌های بورس به کار می‌رود و مستقل از ویژگی اندازه شرکت مورد حسابرسی است. به‌طوری‌که اگر بیشتر از میانه باشد عدد یک و در غیر این صورت صفر را می‌پذیرد. در نهایت پس از تعیین عدد برای هر سال شرکت، شاخص کیفیت حسابرسی به شرح زیر محاسبه می‌شود.

$$AQ = \frac{\text{اقلامی که امتیاز یک اندگرفته}}{\text{کلیه اقلامی که های ارزش صفر و یک اندگرفته}} \quad \text{رابطه (۵)}$$

¹ Myers, Myers & Omer

² Watts & Zimmerman

محافظه کاری حسابداری (Conservatism): برای اندازه گیری محافظه کاری از مدل گیولی و هین^۱ (۲۰۰۰) استفاده شده است. شاخص محافظه کاری بر اساس مدل زیر محاسبه شده است:

$$\text{رابطه (۶)} \quad \text{محافظه کاری} = \left[\left(\frac{\text{اقلام تعهدی عملیاتی}}{\text{جمع دارایی ها در اول دوره}} \right) \times (-1) \right]$$

اقلام تعهدی عملیاتی از تفاوت سود خالص و جریان نقدی عملیاتی بعلاوه هزینه استهلاک به دست می آید.

مدیریت سود (DA): در این پژوهش مدیریت سود شرکت ها متوجه اقلام تعهدی بوده است. در این پژوهش برای اندازه گیری مدیریت سود از مدل تعدیل شده جونز استفاده شده است (دجو، اسلون و سوینی^۲، ۱۹۹۵)؛ که در این مرحله ابتدا باید کل اقلام تعهدی به شرح زیر محاسبه شود:

$$\text{رابطه (۷)} \quad TA_{i,t} = NI_{i,t} - CFO_{i,t}$$

در مدل فوق؛ $TA_{i,t}$: نشان دهنده کل اقلام تعهدی شرکت است؛ $NI_{i,t}$: نشان دهنده سود خالص شرکت قبل از اقلام غیرمترقبه و $CFO_{i,t}$: نشان دهنده جریان های نقدی عملیاتی شرکت است. همچنین بخش غیرعملیاتی اقلام تعهدی به شرح زیر محاسبه می شود:

$$\text{رابطه (۸)} \quad NDA_{i,t} = \beta_1 \left(\frac{1}{T.AST_{i,t-1}} \right) + \beta_2 \left(\frac{\Delta REV_{i,t} - \Delta R.A_{i,t}}{T.AST_{i,t-1}} \right) + \beta_3 \left(\frac{\Delta F.A_{i,t}}{T.AST_{i,t-1}} \right)$$

در مدل فوق؛ $NDA_{i,t}$: نشان دهنده اقلام تعهدی غیر اختیاری شرکت است؛ $\Delta REV_{i,t}$: نشان دهنده تغییر در درآمد شرکت؛ $\Delta R.A_{i,t}$: نشان دهنده تغییر در حساب ها و اسناد دریافتی شرکت؛ $T.AST_{i,t-1}$: نشان دهنده کل دارایی های شرکت در سال قبل و $\Delta F.A_{i,t}$: نشان دهنده تغییر در دارایی های ثابت شرکت است. در این پژوهش ضرایب β_1 ، β_2 و β_3 بر اساس مدل جونز تعدیل شده به شرح زیر محاسبه می شود:

$$\text{رابطه (۹)} \quad TA_{i,t} = \beta_1 \left(\frac{1}{T.AST_{i,t-1}} \right) + \beta_2 \left(\frac{\Delta REV_{i,t} - \Delta R.A_{i,t}}{T.AST_{i,t-1}} \right) + \beta_3 \left(\frac{\Delta F.A_{i,t}}{T.AST_{i,t-1}} \right) + \varepsilon_{i,t}$$

پس از محاسبه کل اقلام تعهدی و اقلام تعهدی غیر اختیاری، اقلام تعهدی اختیاری به شرح زیر محاسبه می شود:

$$\text{رابطه (۱۰)} \quad DA_{i,t} = TA_{i,t} - NDA_{i,t}$$

متغیرهای تعدیل گر

رفتار مدیریت مبتنی بر اخلاق (Ethics based): برای اندازه گیری این شاخص از متغیر هزینه نمایندگی استفاده شده است. به صورت کلی این استدلال وجود دارد مدیرانی که هزینه نمایندگی بالایی را به شرکت تحمیل می کنند از سطح استاندارد اخلاقی کمتری برخوردار هستند چرا که منافع شرکت را فدای منافع شخصی خود کرده که مغایر با موازین اخلاقی است. بنابراین، هر چه این متغیر بزرگ تر باشد شاخص اخلاقی مدیر در سطح کمتری قرار دارد. برای اندازه گیری شاخص هزینه نمایندگی از سه متغیر به شرح زیر استفاده شده است:

الف) نسبت گردش دارایی ها: این نسبت از جمله نسبت های معروف است که بیانگر کارایی مدیریت و چگونگی بهره گیری وی از دارایی ها می باشد. هر آنچه نسبت مذکور بالاتر باشد، مبین کارایی بیشتر مدیر و در نتیجه هزینه های نمایندگی کمتر می باشد. نسبت مذکور از طریق تقسیم فروش شرکت بر مجموع دارایی های آن حاصل می شود (آنگ، کول و لین^۳، ۲۰۰۰). به طوری که اگر بیشتر از میانه باشد عدد صفر و در غیر این صورت یک را می پذیرد.

ب) نسبت هزینه های اختیاری: نسبت هزینه های اختیاری می تواند معیاری از افراط گرایی مدیریت در انجام هزینه های اختیاری باشد. نسبت هزینه های اختیاری (هزینه های عمومی و اداری و فروش)، چگونگی کنترل هزینه های عملیاتی توسط

¹ Givoly & Hayn

² Dechow, Sloan & Sweeney

³ Ang, Cole & Lin

مدیران را اندازه‌گیری می‌کند و به‌عنوان معیار مستقیم هزینه‌های نمایندگی به کار می‌رود؛ یعنی هر چه این نسبت بالاتر باشد، هزینه‌های نمایندگی نیز بیشتر است (آنگ و همکاران، ۲۰۰۰). به‌طوری‌که اگر بیشتر از میانه باشد عدد یک و در غیر این صورت صفر را می‌پذیرد.

ج) جریان نقد آزاد: جریان‌های نقد آزاد به پیروی از یوان و جیانگ^۱ (۲۰۰۸) به ترتیب زیر محاسبه گردید:

رابطه (۱۱) جریان نقد آزاد = خالص وجه نقد ناشی از فعالیت‌های عملیاتی - بهره تأمین مالی - سود تقسیمی پس از محاسبه جریان‌های نقد آزاد برای هر شرکت به‌منظور افزایش قابلیت مقایسه، بر مبلغ فروش شرکت تقسیم می‌گردد. از طریق ضرب دو عامل مذکور، هزینه‌های نمایندگی برای شرکت‌های مورد بررسی حاصل خواهد شد. به‌طوری‌که اگر بیشتر از میانه باشد عدد یک و در غیر این صورت صفر را می‌پذیرد.

در نهایت پس از تعیین عدد برای هر سال شرکت، شاخص هزینه نمایندگی به شرح زیر محاسبه می‌شود.

$$\text{Ethics based} = \frac{\text{اقلامی که امتیاز یک اندگرفته}}{\text{کلیه اقلامی که های ارزش صفر و یک اندگرفته}} \quad \text{رابطه (۱۲)}$$

متغیرهای کنترل پژوهش

اندازه شرکت (SIZE): برابر با لگاریتم طبیعی جمع دارایی‌های شرکت است (اندرو، کاراسامانی، لوکا و ارلیش^۲، ۲۰۱۸).
نقدینگی شرکت (Liquid): برابر است با نسبت وجه نقد و معادل وجه نقد به مجموع دارایی‌های شرکت (اندرو و همکاران، ۲۰۱۸).

زیان‌دهی (Loss): متغیر موهومی است که اگر شرکت در سال جاری زیان داشته باشد عدد یک و در غیر این صورت صفر است (اندرو و همکاران، ۲۰۱۸).

سن شرکت (Age): برابر است با لگاریتم طبیعی سن شرکت از تاریخ تأسیس (اندرو و همکاران، ۲۰۱۸).

نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری (MBV): برابر با نسبت ارزش بازار حقوق صاحبان سهام به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام شرکت تعریف شده است (اندرو و همکاران، ۲۰۱۸).

جریان نقد عملیاتی (CFO): برابر با جریان نقد عملیاتی شرکت است و با کل دارایی‌های شرکت تعدیل شده است (اندرو و همکاران، ۲۰۱۸).

اهرم مالی (LEV): برابر با نسبت کل بدهی‌ها به کل دارایی‌های شرکت است (فاسو^۳، ۲۰۱۳).

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

همان‌طور که مشاهده می‌شود، نتایج آمار توصیفی متغیرهای پژوهش در جدول (۳) نشان داده شده است.

جدول (۳): آماره‌های توصیفی متغیرهای پژوهش*

متغیر	میانگین	میانه	انحراف معیار	پیشینه	کمینه
خوانایی صورت‌های مالی	۱۶/۷۴۲	۱۶/۴۵۵	۳/۱۸۱	۲۸/۹۹۲	۸/۶۴۸
کیفیت گزارشگری مالی	-۰/۰۸۸	-۰/۰۵۵	۰/۱۱۵	-۰/۰۰۱	-۰/۸۲۲
مسئولیت اجتماعی	۰/۱۴۷	۰/۱۳۳	۰/۰۵۶	۰/۵۶۶	۰/۰۳۳
سطح راهبری شرکتی	۰/۵۰۵	۰/۵۰۰	۰/۲۲۰	۱	۰
کیفیت حسابرسی	۰/۴۰۰	۰/۵۰۰	۰/۲۱۹	۱	۰
محافظه‌کاری	۰/۰۲۱	۰/۰۱۹	۰/۱۲۳	۰/۴۸۲	-۰/۴۰۷
مدیریت سود	۰/۰۷۷	۰/۰۶۱	۰/۰۶۴	۰/۳۵۷	۰/۰۰۱

¹ Yuan & Jiang

² Andreou, Karasamani, Louca & Ehrlich

³ Fosu

۰	۱	۰/۲۹۷	۰/۳۳۳	۰/۴۹۱	رفتار مدیریت مبتنی بر اخلاق
۹/۸۲۱	۱۹/۳۷۴	۱/۵۹۶	۱۳/۶۹۸	۱۳/۸۴۴	اندازه شرکت
۰/۰۰۱	۰/۴۳۴	۰/۰۶۹	۰/۰۳۶	۰/۰۵۸	نقدینگی شرکت
۰/۶۹۳	۴/۲۰۴	۰/۵۸۹	۳/۵۸۳	۳/۳۹۸	سن شرکت
-۳/۴۹۰	۲۲/۰۷۴	۳/۰۳۹	۲/۱۴۰	۲/۸۷۰	نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری
-۰/۳۳۹	۰/۵۳۲	۰/۱۳۲	۰/۱۱۱	۰/۱۲۶	نسبت جریان نقد عملیاتی به کل دارایی‌ها
۰/۱۰۸	۱/۳۴۲	۰/۱۹۷	۰/۶۱۴	۰/۶۰۳	اهرم مالی
آمار توصیفی مربوط به متغیرهای دو وجهی					
۰	۱	۰/۲۹۹	۰	۰/۰۹۹	زیان‌ده بودن شرکت

با توجه به نتایج به‌دست‌آمده از آماره‌های توصیفی متغیرهای پژوهش و نزدیک به هم بودن میانگین و میانه در بیشتر متغیرهای پژوهش، می‌توان بیان کرد که کلیه متغیرها از توزیع مناسبی برخوردار هستند. افزون بر این، آماره‌های انحراف معیار، ضریب کشیدگی و چولگی نیز به‌منظور بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها بکار گرفته می‌شوند (کلر و واراکی، ۲۰۰۳). با بررسی معیارهای مذکور می‌توان اظهار داشت که داده‌های مربوط به متغیرهای مستقل و وابسته از توزیع نرمال برخوردار هستند زیرا متغیرها دارای حداقل فاصله از ارزش ارائه شده برای کشیدگی می‌باشند. افزون بر این، متغیر ساختار سرمایه دارای میانگین تقریبی ۶۰ درصدی است که نشان‌دهنده سهم بالای بدهی در ساختار سرمایه شرکت‌های ایرانی است. همچنین، متغیر نقدینگی شرکت دارای میانگین حدود ۵ درصد است که نشان‌دهنده ضعف نقدینگی بالا با توجه به سطح بدهی در شرکت‌های ایرانی است. افزون بر این، متغیر خوانایی صورت‌های مالی دارای میانگین تقریبی ۱۷ است که با توجه به نحوه محاسبه آن نشان‌دهنده سطح خوانایی پایین در گزارشگری شرکت‌ها می‌باشد؛ که می‌تواند ناشی از شرایط تحریمی باشد. از سوی دیگر، متغیر مسئولیت اجتماعی شرکت دارای میانگین تقریبی ۱۵ درصدی است که نشان‌دهنده سطح افشای پایین این متغیر در شرکت‌های ایرانی است.

آزمون هم خطی متغیرهای مستقل و بررسی همسانی واریانس

هم خطی به مفهوم وجود ارتباط شدید میان متغیرهای مستقل که توسط آماره VIF سنجیده می‌شود. مقادیر زیر ۱۰ برای این آماره نشان‌دهنده عدم وجود هم خطی میان متغیرهای مستقل است. نتایج کسب شده نشان داد که برای تمامی مقادیر به‌دست‌آمده این مقدار برای متغیرهای پژوهش کمتر از حد مجاز است؛ بنابراین، می‌توان ادعا کرد هم خطی میان متغیرهای پژوهش مشاهده نشده است. علاوه بر این، برای بررسی همسانی واریانس میان باقیمانده‌های مدل، آزمون والد تعدیل شده بکار گرفته شده است. این آزمون در نرم‌افزار استاتا انجام شده است. نتیجه این آزمون برای مدل‌های پژوهش بیانگر وجود همسانی واریانس میان باقیمانده‌های مدل است. همچنین، نرمال بودن توزیع باقی‌مانده‌های رگرسیون نیز بررسی شد که نتایج مؤید نرمال بودن این باقی‌مانده‌ها می‌باشد.^۲

آمار استنباطی

با توجه به میانی تئوریک طرح شده، شش فرضیه تدوین و در ادامه به بررسی و آزمون آن‌ها پرداخته شده است. برای این هدف، ابتدا لازم است، قبل از برازش الگوی پژوهش، آزمون چاو برای بررسی استفاده از روش داده‌های تلفیقی در مقابل روش داده‌های ترکیبی برای نمونه پژوهش انجام شود (افلاطونی، ۱۳۹۲). نتایج آزمون چاو در جدول (۴) نشان داده شده است.

جدول (۴): نتایج آزمون F لیمر برای مدل پژوهش*

مدل مورد بررسی	آماره	سطح خطا	روش پذیرفته شده
مدل پژوهش	۷/۹۷۰	۰/۰۰۰	روش داده‌های ترکیبی

^۱ Keller & Warrack

^۲ لازم به توضیح است که به دلیل محدودیت صفحه از آوردن جداول خودداری شده است.

با توجه به نگاره (۴)، نتایج مؤید عدم تأیید فرض H_0 بوده، بنابراین الگوی روش داده‌های تابلویی روش پذیرفته شده است. در نتیجه، الگوی روش داده‌های تابلویی با اثرات ثابت روش ارجح است. لازم است برای انتخاب از بین الگوی داده‌های تابلویی با اثرات ثابت یا داده‌های تابلویی با اثرات تصادفی، آزمون هاسمن نیز انجام شود. نتایج مربوط به آزمون هاسمن نیز در جدول (۵) نشان داده شده است.

جدول (۵): نتایج آزمون هاسمن برای مدل پژوهش*

مدل مورد بررسی	آماره	سطح خطا	روش پذیرفته شده
مدل پژوهش	۶۳/۱۱۹	۰/۰۱۱	روش اثرات ثابت

همان‌طور که در جدول (۵) نیز قابل مشاهده است، نتایج حاکی از عدم تأیید فرض H_0 بوده است، در نتیجه، الگوی روش اثرات ثابت روش ارجح است؛ بنابراین، در ادامه به تخمین مدل پژوهش به منظور بررسی فرضیه‌های مربوط به اثر تعدیل شونده رفتار مبتنی بر اخلاق مدیران، با توجه به روش ارجح پرداخته شد. نتایج حاصل از بررسی این فرضیه‌ها در جدول (۶) ارائه شده است.

جدول (۶): نتایج تخمین مدل پژوهش*

متغیر	ضریب متغیر	انحراف استاندارد	آماره تی	سطح خطا
عرض از مبدأ	۱۹/۰۳۹	۱/۱۷۸	۱۶/۱۶۰	۰/۰۰۰
کیفیت گزارشگری مالی	-۲/۰۳۶	۰/۹۱۹	-۲/۲۱۴	۰/۰۲۶
مسئولیت اجتماعی	-۲/۹۲۷	۱/۵۷۹	-۱/۸۵۳	۰/۰۶۴
سطح راهبری شرکتی	-۱/۲۵۷	۰/۳۷۶	-۳/۳۴۱	۰/۰۰۰
کیفیت حسابرسی	-۱/۴۱۱	۰/۳۹۴	-۳/۵۷۶	۰/۰۰۰
محافظه‌کاری	۰/۶۸۵	۰/۶۹۲	۰/۹۹۰	۰/۳۲۲
مدیریت سود	۲/۵۷۷	۱/۰۸۵	۲/۳۷۴	۰/۰۱۷
رفتار مبتنی بر اخلاق مدیران	۲/۱۴۸	۰/۶۳۴	۳/۳۸۵	۰/۰۰۷
رفتار مبتنی بر اخلاق مدیران در کیفیت گزارشگری مالی	-۱/۵۰۲	۰/۴۹۵	-۳/۰۳۲	۰/۰۰۲
رفتار مبتنی بر اخلاق مدیران در مسئولیت اجتماعی	-۴/۸۵۶	۲/۶۸۲	-۱/۸۱۰	۰/۰۷۰
رفتار مبتنی بر اخلاق مدیران در سطح راهبری شرکتی	-۱/۰۱۷	۰/۴۵۸	-۲/۲۱۶	۰/۰۲۶
رفتار مبتنی بر اخلاق مدیران در کیفیت حسابرسی	-۱/۱۷۳	۰/۵۱۰	-۲/۲۹۹	۰/۰۲۱
رفتار مبتنی بر اخلاق مدیران در محافظه‌کاری	۱/۵۷۲	۱/۳۳۸	۱/۱۷۴	۰/۲۴۰
رفتار مبتنی بر اخلاق مدیران در مدیریت سود	۵/۴۴۲	۲/۰۷۸	۲/۶۱۸	۰/۰۰۸
اندازه شرکت	-۰/۲۵۲	۰/۱۰۴	-۲/۴۰۸	۰/۰۱۶
نقدینگی شرکت	-۰/۱۷۱	۰/۸۰۹	-۰/۲۱۲	۰/۸۳۱
زیان‌ده بودن شرکت	۰/۱۱۳	۰/۱۶۸	۰/۶۷۱	۰/۵۰۱
سن شرکت	-۱/۰۰۵	۰/۲۷۹	-۳/۵۹۹	۰/۰۰۰
نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری	-۰/۰۰۸	۰/۰۱۵	-۰/۵۴۴	۰/۵۸۶
نسبت جریان نقد عملیاتی به کل دارایی‌ها	۰/۶۸۹	۰/۴۰۲	۱/۷۱۴	۰/۰۸۶
اهرم مالی	-۰/۹۵۸	۰/۳۸۰	-۲/۵۲۰	۰/۰۱۱
ضریب تعیین		۰/۶۱۳		
ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۵۷۲		
آماره‌ی دوربین-واتسون		۱/۷۷۰		
آماره‌ی F		۱۵/۱۶۵		
احتمال آماره‌ی F		۰/۰۰۰		

با توجه به نتایج قابل مشاهده در جدول (۶) و با توجه آماره‌ی F به دست آمده (۱۵/۱۶۵) و سطح خطای آن (۰/۰۰۰)، می‌توان ادعا کرد که در سطح اطمینان ۹۹ درصد، در مجموع الگوی تحقیق از معناداری بالایی برخوردار است. همچنین، با توجه به ضریب تعیین تعدیل شده به دست آمده برای الگو که برابر ۵۷ درصد است، می‌توان بیان کرد که در مجموع متغیرهای مستقل و کنترل تحقیق بیش از ۵۷ درصد تغییرات متغیر وابسته را توضیح می‌دهند. افزون بر این، با توجه به مقدار آماره‌ی دوربین واتسون که برابر ۱/۷۷۰ است، می‌توان ادعا کرد که خودهمبستگی مرتبه‌ی اول میان باقی‌مانده‌های الگو وجود ندارد. همچنین، نتایج به دست آمده نشان می‌دهد از میان متغیرهای کنترل، تنها متغیرهای اندازه شرکت، سن شرکت و اهرم مالی تأثیر معناداری بر خوانایی صورت‌های مالی دارند.

آزمون فرضیه اول

در این فرضیه به بررسی تأثیر رفتار مبتنی بر اخلاق مدیران بر ارتباط میان کیفیت گزارشگری مالی و سطح خوانایی گزارشگری مالی پرداخته شده است. با توجه به نتایج به دست آمده در جدول (۶) از برآورد الگو، ضریب متغیر کیفیت گزارشگری مالی برابر $۰/۰۳۶-۲$ و سطح خطای آن $۰/۰۲۶$ است؛ بنابراین، با توجه به ضریب منفی این متغیر و سطح معناداری آن، می توان ادعا کرد که کیفیت گزارشگری مالی تأثیر منفی معناداری (در سطح خطای ۵ درصد) بر شاخص فوگ دارد همچنین، با توجه به اینکه شاخص فوگ شاخص معکوس خوانایی گزارشگری مالی است می توان ادعا کرد که کیفیت گزارشگری مالی تأثیر مثبت معناداری بر خوانایی گزارشگری مالی دارد. از سوی دیگر، با توجه به نتایج به دست آمده در جدول (۶) از برآورد الگو، ضریب متغیر رفتار مبتنی بر اخلاق مدیران در کیفیت گزارشگری مالی برابر $۱/۵۰۲-$ و سطح خطای آن $۰/۰۰۲$ است؛ بنابراین، با توجه به ضریب منفی کمتر این متغیر (نسبت به ضریب متغیر کیفیت گزارشگری مالی) و سطح معناداری آن، می توان ادعا کرد که تعامل رفتار مبتنی بر اخلاق مدیران و کیفیت گزارشگری مالی تأثیر منفی کمتری (در سطح خطای ۵ درصد) بر شاخص فوگ دارد. این اثر منفی کمتر می تواند به این سبب باشد که شاخص مبتنی بر اخلاق مدیران شاخص مبتنی بر هزینه نمایندگی است و شاخص معکوس برای سنجش معیار اخلاقی مدیران است و اثر مثبت کیفیت گزارشگری مالی بر خوانایی گزارشگری مالی را کاهش می دهد. در نتیجه، این انتظار وجود دارد رفتار نمایندگی مدیران (به عنوان شاخص رفتار غیراخلاقی مدیر) سبب کاهش اثر مثبت کیفیت گزارشگری مالی بر خوانایی گزارشگری مالی گردد؛ بنابراین، با توجه به سطح معناداری، فرضیه اول پژوهش در سطح خطای ۵ درصد تأیید می شود.

آزمون فرضیه دوم

در این فرضیه به بررسی تأثیر رفتار مبتنی بر اخلاق مدیران بر ارتباط میان مسئولیت اجتماعی شرکت و سطح خوانایی گزارشگری مالی پرداخته شده است. با توجه به نتایج به دست آمده در جدول (۶) از برآورد الگو، ضریب متغیر مسئولیت اجتماعی شرکت برابر $۲/۹۲۷-$ و سطح خطای آن $۰/۰۶۴$ است؛ بنابراین، با توجه به ضریب منفی این متغیر و سطح معناداری آن، می توان ادعا کرد که مسئولیت اجتماعی شرکت تأثیر منفی غیر معناداری (در سطح خطای ۵ درصد) بر شاخص فوگ دارد همچنین، با توجه به اینکه شاخص فوگ شاخص معکوس خوانایی گزارشگری مالی است می توان ادعا کرد که مسئولیت اجتماعی شرکت تأثیر مثبت غیر معناداری بر خوانایی گزارشگری مالی دارد. از سوی دیگر، با توجه به نتایج به دست آمده در جدول (۶) از برآورد الگو، ضریب متغیر رفتار مبتنی بر اخلاق مدیران در مسئولیت اجتماعی شرکت برابر $۴/۸۵۶-$ و سطح خطای آن $۰/۰۷۰$ است؛ بنابراین، با توجه به سطح معناداری، می توان ادعا کرد که تعامل رفتار مبتنی بر اخلاق مدیران و مسئولیت اجتماعی شرکت تأثیر معناداری (در سطح خطای ۵ درصد) بر شاخص فوگ ندارد. در نتیجه، نتایج نشان داد رفتار نمایندگی مدیران (به عنوان شاخص رفتار غیراخلاقی مدیر) تأثیر معناداری بر ارتباط میان مسئولیت اجتماعی شرکت و خوانایی گزارشگری مالی ندارد؛ بنابراین، با توجه به سطح معناداری، فرضیه دوم پژوهش در سطح خطای ۵ درصد رد می شود.

آزمون فرضیه سوم

در این فرضیه به بررسی تأثیر رفتار مبتنی بر اخلاق مدیران بر ارتباط میان راهبری شرکتی و سطح خوانایی گزارشگری مالی پرداخته شده است. با توجه به نتایج به دست آمده در جدول (۶) از برآورد الگو، ضریب متغیر راهبری شرکتی برابر $۱/۲۵۷-$ و سطح خطای آن $۰/۰۰۰$ است؛ بنابراین، با توجه به ضریب منفی این متغیر و سطح معناداری آن، می توان ادعا کرد که راهبری شرکتی تأثیر منفی معناداری (در سطح خطای ۵ درصد) بر شاخص فوگ دارد همچنین، با توجه به اینکه شاخص فوگ شاخص معکوس خوانایی گزارشگری مالی است می توان ادعا کرد که راهبری شرکتی تأثیر مثبت معناداری بر خوانایی گزارشگری مالی دارد. از سوی دیگر، با توجه به نتایج به دست آمده در جدول (۶) از برآورد الگو، ضریب متغیر رفتار مبتنی بر اخلاق مدیران در راهبری شرکتی برابر $۱/۰۱۷-$ و سطح خطای آن $۰/۰۲۶$ است؛ بنابراین، با توجه به ضریب منفی کمتر این متغیر (نسبت به ضریب متغیر راهبری شرکتی) و سطح معناداری آن، می توان ادعا کرد که تعامل رفتار مبتنی بر اخلاق مدیران و راهبری شرکتی تأثیر منفی کمتری (در سطح خطای ۵ درصد) بر شاخص فوگ دارد. این اثر منفی کمتر می تواند به این سبب باشد که

شاخص مبتنی بر اخلاق مدیران شاخص مبتنی بر هزینه نمایندگی است و شاخصی معکوس برای سنجش معیار اخلاقی مدیران است و اثر مثبت راهبری شرکتی بر خوانایی گزارشگری مالی را کاهش می‌دهد. در نتیجه، این انتظار وجود دارد رفتار نمایندگی مدیران (به‌عنوان شاخص رفتار غیراخلاقی مدیر) سبب کاهش اثر مثبت راهبری شرکتی بر خوانایی گزارشگری مالی گردد؛ بنابراین، با توجه به سطح معناداری، فرضیه سوم پژوهش در سطح خطای ۵ درصد تأیید می‌شود.

آزمون فرضیه چهارم

در این فرضیه به بررسی تأثیر رفتار مبتنی بر اخلاق مدیران بر ارتباط میان کیفیت حسابداری و سطح خوانایی گزارشگری مالی پرداخته شده است. با توجه به نتایج به‌دست‌آمده در جدول (۶) از برآورد الگو، ضریب متغیر کیفیت حسابداری برابر $1/411$ - و سطح خطای آن $0/000$ است؛ بنابراین، با توجه به ضریب منفی این متغیر و سطح معناداری آن، می‌توان ادعا کرد که کیفیت حسابداری تأثیر منفی معناداری (در سطح خطای ۵ درصد) بر شاخص فوگ دارد همچنین، با توجه به اینکه شاخص فوگ شاخص معکوس خوانایی گزارشگری مالی است می‌توان ادعا کرد که کیفیت حسابداری تأثیر مثبت معناداری بر خوانایی گزارشگری مالی دارد. از سوی دیگر، با توجه به نتایج به‌دست‌آمده در جدول (۶) از برآورد الگو، ضریب متغیر رفتار مبتنی بر اخلاق مدیران در کیفیت حسابداری برابر $1/173$ - و سطح خطای آن $0/021$ است؛ بنابراین، با توجه به ضریب منفی کمتر این متغیر (نسبت به ضریب متغیر کیفیت حسابداری) و سطح معناداری آن، می‌توان ادعا کرد که تعامل رفتار مبتنی بر اخلاق مدیران و کیفیت حسابداری تأثیر منفی کمتری (در سطح خطای ۵ درصد) بر شاخص فوگ دارد. این اثر منفی کمتر می‌تواند به این سبب باشد که شاخص مبتنی بر اخلاق مدیران شاخص مبتنی بر هزینه نمایندگی است و شاخصی معکوس برای سنجش معیار اخلاقی مدیران است و اثر مثبت کیفیت حسابداری بر خوانایی گزارشگری مالی را کاهش می‌دهد. در نتیجه، این انتظار وجود دارد رفتار نمایندگی مدیران (به‌عنوان شاخص رفتار غیراخلاقی مدیر) سبب کاهش اثر مثبت کیفیت حسابداری بر خوانایی گزارشگری مالی گردد؛ بنابراین، با توجه به سطح معناداری، فرضیه چهارم پژوهش در سطح خطای ۵ درصد تأیید می‌شود.

آزمون فرضیه پنجم

در این فرضیه به بررسی تأثیر رفتار مبتنی بر اخلاق مدیران بر ارتباط میان محافظه‌کاری حسابداری و سطح خوانایی گزارشگری مالی پرداخته شده است. با توجه به نتایج به‌دست‌آمده در جدول (۶) از برآورد الگو، ضریب متغیر محافظه‌کاری حسابداری برابر $0/685$ و سطح خطای آن $0/322$ است؛ بنابراین، با توجه به ضریب مثبت این متغیر و سطح معناداری آن، می‌توان ادعا کرد که محافظه‌کاری حسابداری تأثیر مثبت غیر معناداری (در سطح خطای ۵ درصد) بر شاخص فوگ دارد همچنین، با توجه به اینکه شاخص فوگ شاخص معکوس خوانایی گزارشگری مالی است می‌توان ادعا کرد که محافظه‌کاری حسابداری تأثیر منفی غیر معناداری بر خوانایی گزارشگری مالی دارد. از سوی دیگر، با توجه به نتایج به‌دست‌آمده در جدول (۶) از برآورد الگو، ضریب متغیر رفتار مبتنی بر اخلاق مدیران در محافظه‌کاری حسابداری برابر $1/572$ و سطح خطای آن $0/240$ است؛ بنابراین، با توجه به سطح معناداری، می‌توان ادعا کرد که تعامل رفتار مبتنی بر اخلاق مدیران و محافظه‌کاری حسابداری تأثیر معناداری (در سطح خطای ۵ درصد) بر شاخص فوگ ندارد. در نتیجه، نتایج نشان داد رفتار نمایندگی مدیران (به‌عنوان شاخص رفتار غیراخلاقی مدیر) تأثیر معناداری بر ارتباط میان محافظه‌کاری حسابداری و خوانایی گزارشگری مالی ندارد؛ بنابراین، با توجه به سطح معناداری، فرضیه پنجم پژوهش در سطح خطای ۵ درصد رد می‌شود.

آزمون فرضیه ششم

در این فرضیه به بررسی تأثیر رفتار مبتنی بر اخلاق مدیران بر ارتباط میان مدیریت سود و سطح خوانایی گزارشگری مالی پرداخته شده است. با توجه به نتایج به‌دست‌آمده در جدول (۶) از برآورد الگو، ضریب متغیر مدیریت سود برابر $2/577$ و سطح خطای آن $0/017$ است؛ بنابراین، با توجه به ضریب مثبت این متغیر و سطح معناداری آن، می‌توان ادعا کرد که مدیریت سود تأثیر مثبت معناداری (در سطح خطای ۵ درصد) بر شاخص فوگ دارد همچنین، با توجه به اینکه شاخص فوگ شاخص

معکوس خوانایی گزارشگری مالی است می‌توان ادعا کرد که مدیریت سود تأثیر منفی معناداری بر خوانایی گزارشگری مالی دارد. از سوی دیگر، با توجه به نتایج به‌دست‌آمده در جدول (۶) از برآورد الگو، ضریب متغیر رفتار مبتنی بر اخلاق مدیران در مدیریت سود برابر ۵/۴۴۲ و سطح خطای آن ۰/۰۰۸ است؛ بنابراین، با توجه به ضریب مثبت بیشتر این متغیر (نسبت به ضریب متغیر مدیریت سود) و سطح معناداری آن، می‌توان ادعا کرد که تعامل رفتار مبتنی بر اخلاق مدیران و مدیریت سود تأثیر مثبت بیشتری (در سطح خطای ۵ درصد) بر شاخص فوگ دارد. این اثر مثبت بیشتر می‌تواند به این سبب باشد که شاخص مبتنی بر اخلاق مدیران شاخص مبتنی بر هزینه نمایندگی است و شاخصی معکوس برای سنجش معیار اخلاقی مدیران است و اثر منفی مدیریت سود بر خوانایی گزارشگری مالی را افزایش می‌دهد. در نتیجه، این انتظار وجود دارد رفتار نمایندگی مدیران (به‌عنوان شاخص رفتار غیراخلاقی مدیر) سبب افزایش اثر منفی مدیریت سود بر خوانایی گزارشگری مالی گردد؛ بنابراین، با توجه به سطح معناداری، فرضیه ششم پژوهش در سطح خطای ۵ درصد تأیید می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش به بررسی تأثیر رفتار مبتنی بر اخلاق مدیریت بر ارتباط میان مفاهیم حسابداری و خوانایی در گزارشگری مالی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته شد. بدین منظور فرضیه‌هایی برای بررسی این موضوع تدوین و با استفاده از اطلاعات در دسترس به تجزیه و تحلیل آن پرداخته شد. مطابق با مبانی تئوریک این انتظار وجود دارد که رفتارهای مدیریت مبتنی بر اخلاق مدیریت بتواند بر رابطه میان مفاهیم حسابداری و ارتقا یا کاهش خوانایی در گزارشگری مالی اثرگذار باشد؛ زیرا این ادعا وجود دارد که مدیران و رفتارهای آنان در محیط گزارشگری شرکت تأثیر چشمگیری بر ایجاد شفافیت و ارتقا آن دارد. با توجه به این استدلال‌ها، نتایج تحلیل فرضیه‌ها نشان داد رفتار مبتنی بر اخلاق مدیران بر نقش کیفیت گزارشگری مالی، راهبری شرکتی، کیفیت حسابداری و مدیریت سود بر خوانایی گزارشگری مالی اثرگذار است اما بر نقش مسئولیت اجتماعی شرکت و محافظه‌کاری حسابداری بر خوانایی گزارشگری مالی اثری ندارد. در نتیجه، می‌توان ادعا کرد که رفتارهای مبتنی بر اخلاق مدیران با تشدید شفافیت و نظارت مسئولانه‌تر سبب ارتقا سطح شفافیت شده و تأثیر مثبت مفاهیم حسابداری بر خوانایی در گزارشگری مالی را تشدید می‌کند و محیط گزارشگری شفاف‌تری را برای استفاده‌کنندگان از اطلاعات حسابداری و مالی فراهم می‌نماید. لازم به ذکر است از جمله محدودیت‌هایی که در انجام این پژوهش وجود داشت اندازه‌گیری متغیرهای افشای سطح مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و خوانایی صورت‌های مالی با بررسی دقیق متن صورت‌های مالی و گزارش هیئت‌مدیره در دوره ۱۲ ساله پژوهش بوده است.

با توجه به نتایج تحقیق به مدیران پیشنهاد می‌شود که در تجزیه و تحلیل خوانایی گزارشگری مالی به عامل‌هایی نظیر مفاهیم حسابداری و رفتارهای مدیریتی خود توجه کنند و آن را در تحلیل‌ها و ارزیابی‌های خود لحاظ کنند. همچنین، به مدیران توصیه می‌شود با در نظر گرفتن معیارهای مانند رفتارهای مبتنی بر اخلاق، انصاف و عدالت با ایجاد شفافیت بیشتر گامی ارزنده در جهت ایجاد شفافیت و ارتقا کارایی در بازار بردارند چرا که این ایجاد شفافیت در آینده هم به مدیران در جهت ارتقا فردی و هم به شرکت در رشد بیشتر کمک می‌کند. همچنین به سرمایه‌گذاران پیشنهاد می‌شود که به عواقب منفی رفتارهای مدیران بر ایجاد شفافیت توجه داشته و مدیرانی را انتخاب نمایند که به حداقل استانداردهای اخلاقی و رفتاری پایبند بوده و به ایجاد شفافیت متعهد باشند چرا که کاهش شفافیت در بلندمدت منافع تمامی ذینفعان را نقض کرده و اثرات منفی جبران‌ناپذیری بر آینده شرکت دارد.

از سوی دیگر، با انجام هر تحقیق، راه به‌سوی مسیری جدید باز می‌شود و ادامه‌ی راه مستلزم انجام تحقیق‌های دیگری است؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود تحقیق در رابطه با تبیین نقش رفتارهای مدیریتی بر ارتباط میان مفاهیم حسابداری و خوانایی گزارشگری مالی در شرایط متفاوت و متغیر اقتصادی و همچنین در رابطه با تبیین نقش رفتارهای مدیریتی بر ارتباط میان استراتژی‌های متفاوت شرکت و خوانایی گزارشگری مالی و تبیین نقش رفتارهای مدیریتی بر گزارشگری ریسک و اثر آن بر ارتقا خوانایی گزارشگری مالی انجام شود.

منابع

- اعتمادی، حسین؛ امیر محمدی و مهدی ناظمی اردکانی. (۱۳۸۸). بررسی رابطه بین تخصص صنعت حسابر و کیفیت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. **پژوهش‌های حسابداری مالی** ۱ و ۲: ۳۲-۱۷.
- افلاطونی، عباس. (۱۳۹۲). **تجزیه و تحلیل آماری با Eviews در تحقیقات حسابداری و مدیریت مالی**. چاپ اول، تهران: ترمه.
- باقری ازغندی، ابوطالب؛ رضا حصارزاده و محمدرضا عباس‌زاده. (۱۳۹۷). خوانایی صورت‌های مالی و حساسیت سرمایه‌گذاران به استفاده از اطلاعات حسابداری. **فصل‌نامه چشم‌انداز مدیریت مالی** ۳۳: ۸۷-۱۰۳.
- پورکریم، محمد؛ سعید جبارزاده کنگرلویی؛ جمال بحری‌ثالث و حسن قلاوندی. (۱۳۹۷). تأثیر مدیریت سود بر لحن گزارشگری مالی در نظام حسابداری ایران. **پژوهش‌های حسابداری مالی** ۱۰ (۳): ۴۴-۲۱.
- جبارزاده کنگرلویی، سعید؛ مرتضی متوسل و یعقوب بهنمون. (۱۳۹۸). تأثیر مدیریت سود و محدودیت مالی بر خوانایی گزارشگری مالی. **فصلنامه بورس اوراق بهادار** ۱۲ (۴۶): ۵-۲۵.
- رضائی پشته نوئی، یاسر؛ و مهدی صفری گرایلی. (۱۳۹۷). خوانایی گزارشگری مالی و احتمال گزارشگری مالی متقلبانه. **پژوهش‌های حسابداری مالی** ۱۰ (۴): ۴۳-۵۸.
- سرهنگی، حجت؛ سعید ابراهیمی و حمید الله یاری ابهری. (۱۳۹۳). بررسی اثر پیچیدگی گزارشگری مالی بر رفتار معاملاتی سرمایه‌گذاران در بازار سرمایه ایران. **بورس اوراق بهادار** ۷ (۲۷): ۷۸-۵۹.
- سروی، اعظم؛ قدرت‌اله طالب‌نیا؛ زهرا پورزمانی و آریتا جهانشاد. (۱۳۹۷). ارزیابی خوانایی و قابلیت فهم استانداردهای حسابداری از منظر حسابداران و حسابرسان با استفاده از شاخص‌های فلش و کلوز. **پژوهش‌های کاربردی در گزارشگری مالی** ۷ (۲): ۲۷۴-۲۴۱.
- صالحی، اله‌کرم؛ روح‌الله موسوی و محمد مرادی. (۱۳۹۶). تأثیر خوش‌بینی مدیریتی بر حساسیت سرمایه‌گذاری به جریان نقدی. **دانش مالی تحلیل اوراق بهادار** ۱۰ (۳۳): ۷۶-۶۵.
- صفری گرایلی، مهدی؛ یاسر رضایی پشته نوئی و محمد نوروزی. (۱۳۹۶). مدیریت سود و خوانایی گزارشگری مالی: آزمون تجربی رویکرد فرصت‌طلبانه. **دانش حسابرسی** ۱۷ (۶۹): ۲۳۰-۲۱۷.
- فروغی ابری، میثم؛ علیرضا جعفری و رحمت اله نادری بنی. (۱۳۹۳). عوامل مؤثر بر قضاوت‌های اخلاقی در بین جامعه حسابداران رسمی ایران. **حسابداری مالی** ۶ (۲۲): ۱۱۴-۱۳۳.
- Ahmed, A.S., & S. Duellman. (2013). Managerial Overconfidence and Accounting Conservatism. **Journal of Accounting Research** 51(1): 1-30.
- Andreou, P., Karasamani, I., Louca, Ch., & Ehrlich, D. (2018). The impact of managerial ability on crisis-period corporate investment, www.ssrn.com.
- Ang, J., R. Cole & J. Lin. (2000). Agency Costs and Ownership Structure. **The Journal of Finance** 55(1): 81-106.
- Armstrong, C., J. Blouin, A. Jagonlizer & D. Larcker. (2014). **Corporate Governance, Incentives, and Tax Avoidance**. Rock Center for Corporate Governance, Working paper series.
- Bai, X., Y. Dong & N. Hu. (2018). Financial report readability and stock return synchronicity. **Applied Economics** 51(4): 346-363.
- Beuselinck, Ch., B. Blanco S. Dhole & G.J. Lobo (2018). **Financial Statement Readability and Tax Aggressiveness**. Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=3261115> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.3261115>.
- Blanco, B., & S. Dhole. (2018). **Financial Statement Comparability, Readability and Accounting Fraud**. AFAANZ Conference, Working Paper, https://www.afaanz.org/openconf/2017/modules/request.php?module=oc_program&action=summary.php&id=4.

- Dechow, P., & I. Dichev. (2002). The quality of accruals and earnings: The role of accrual estimation errors. **The Accounting Review** 77: 35-59.
- Dechow, P., R. Sloan & A. Sweeney. (1995). Detecting Earnings Management. **The Accounting Review** 70(2): 193-225.
- Duellman, S., H. Hurwitz & Y. Sun. (2015). Managerial Overconfidence and Audit Fees. **Journal of Contemporary Accounting & Economics** 11(2): 148-165.
- Ertugrul, M., J. Lei & C.H. Wan. (2017). Annual report readability, tone ambiguity, & the cost of borrowing. **Journal of Financial & Quantitative Analysis** 52(2): 811-836.
- Filzen, J.J., & M.G. Schutte. (2017). Comovement, financial reporting complexity, and information markets: Evidence from the effect of changes in 10-Q lengths on internet search volumes and peer correlations. **The North American Journal of Economics and Finance** 39: 19-37.
- Fosu, S. (2013). Capital structure, product market competition and firm performance: evidence from South Africa. **The Quarterly Review of Economics and Finance** 53: 140-151.
- Francis, J., R. LaFond, P. Olsson & K. Schipper. (2005). The market pricing of accruals quality. **Journal of Accounting and Economics** 39(2): 295-327.
- Givoly, D., & C. Hayn. (2000). The Changing Time-series Properties of Earnings, Cash Flows and Accruals: Has Financial Reporting Become More Conservative?. **Journal of Accounting and Economics** 29: 287-320.
- Hassan, M.K., B. Abu Abbas & S. Nathan Garas. (2020). Readability, governance & Performance: Atest of the obfuscation hypothesis in Qatar listed firm. **Corporate Governance: The International journal of Business in Society** 19(2): 270-298.
- Keller, G., & B. Warrack. (2003). **Statistics for Management and Economics (6th ed)**. Pacific Grove, CA: Duxbury Press.
- Kubick, T.R., D.P. Lynch, M.A. Mayberry & T.C. Omer. (2015). Product Market Power and Tax Avoidance: Market Leaders, Mimicking Strategies, and Stock Returns, **The Accounting Review** 90(2): 675-702.
- Kumar, G. (2014). Determinants of readability of financial reports of U.S. listed Asian companies. **Asian J. Financ. Account** 6: 1-18.
- Li, J., & W. Tong. (2012). **Managerial Overconfidence, CEO Selection and Corporate Investment: An Empirical Analysis**. Working paper, available at: www.ssrn.com.
- Lim, E.K.Y., K. Chalmers & D. Hanlon. (2018). The influence of business strategy on annual report readability. **Journal of Accounting and Public Policy** 37(1): 65-81.
- Lin, Y.H., S.Y. Hu & M.S. Chen. (2005). Managerial optimism and corporate investment: Some empirical evidence from Taiwan. **Pacific-Basin Finance Journal** 13(5): 523-546.
- Lo, K., F. Ramos & R. Rogo. (2017). Earnings management and annual report readability. **Journal of Accounting and Economics** 63(1): 1-25.
- Mizik, N. (2010). The Theory and Practice of Myopic Management. **Journal of Marketing Research** 47(4): 594-611.
- Mostafa Monzur, H. (2017). **Managerial Ability, Annual Report Readability and Disclosure Tone**. Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=2957135>.
- Myers, J., L. Myers & T. Omer. (2003). Exploring the term of the auditor client relationship and the quality of earnings: A case for mandatory auditor rotation?. **The Accounting Review** 78(3): 779-800.
- Naderian-Jahromi, M., & S.E. Amirhosseini. (2008). Studying the Relation between Sport Manager's Personality and Demographic Characteristics with their Job Skills. **Olympic** 11(4): 105-114.
- Nofsinger, J.R. (2001). **Investment Madness: How Psychology Affects Your Investing and What to Do about It**. Pearson Education, 1st Edition.

- Scherand, C.M., & S.L. Zechman. (2011). Executive Overconfidence and the Slippery Slope to Financial Misreporting. **Journal of Accounting and Economics** 53(1-2): 311–329.
- Tinga, I.W.K., H.H. Leanb, Q.L. Kwehc & N.A. Azizand. (2016). Impact of Managerial Overconfidence and Government Intervention on Firm Leverage Decision: A MARS Model Approach. **Institutions and Economies** 8(3): 85-104.
- Vourvachis, P. (2007). **On the use of content analysis (CA) in corporate social reporting (CSR): Revisiting the debate on the units of analysis and the ways to define them.** British Accounting Association Annual Conference, Egham, England.
- Watts, R., & J. Zimmerman. (1986). **Positive Accounting Theory**. Englewood Cliffs, NJ: Prentice Hall.
- Yuan, J., & Y. Jiang. (2008). Accounting Information Quality, Free Cash Flow and Overinvestment: A Chinese Study. **The Business Review** 11(1): 159-166.